

یهودیان، ترک ها و عثمانی ها: پیشینه مشترک از قرن پانزدهم تا قرن بیستم

Avigdor Levy, *Jews, Turks, Ottomans: A Shared History, Fifteenth through the Twentieth Century*, New York: Syracuse University Press, 2002, 395 pages.

قدیر نصری

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه و دانشجوی

دکترای علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

جمهوری ترکیه به عنوان وارث امپراتوری عثمانی، معمولاً روابط ویژه و حسنه‌ای با اسرائیل داشته است. تبیین ریشه‌ها و تاریخچه این هماهنگی و روابط مثبت، موضوع مهمی است که در مجموعه مقالاتی به نام «یهودیان،

ترک ها و عثمانی ها: پیشینه مشترک از قرن پانزدهم تا بیستم؛ به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب، متشکل از هفده مقاله علمی است که با رهیافتی تاریخی، میزان و نحوه تعامل بین یهودیان و ساکنان امپراتوری عثمانی را به بحث و تحلیل نهاده است. گردآورنده کتاب هدف از تدوین چنین اثری را ریشه‌یابی اسکان و فعالیت یهودیان در امپراتوری عثمانی عنوان کرده، خاطر نشان ساخته است که در سال ۱۹۰۰، حدود چهارصد هزار نفر یهودی در محدوده امپراتوری عثمانی زندگی می‌کردند که این شمار در مقایسه با سایر کشورهای جهان، رقمی قابل توجه است. چرا که بیشترین تعداد یهودیان در کشورهای چینی، روسیه، اتریش-مجارستان، آمریکا و آلمان زندگی می‌کرده‌اند و استقرار حدود نیم میلیون یهودی در سرزمین اسلامی، فی‌نفسه قابل توجه است. به عقیده گردآورنده کتاب، زندگی یهودیان در امپراتوری عثمانی، متفاوت از زندگی آنان در سایر مناطق و کشورها بوده است، چرا که یهودیان در امپراتوری مسلمین، نه تنها مورد آزار واقع نشده‌اند، بلکه همواره به عنوان اقلیتی ممتاز، مورد احترام هم

بوده اند که چنین رفتاری هم به مدارای مسلمان و هم به زیرکی یهودیان باز می‌گردد. گردآورنده کتاب با این توضیح، اثر مذکور را در قالب سه بخش به عناوین زیر تقسیم بندی کرده است:

۱. جامعه یهودیان و سیاست امپراتوری عثمانی: از قرن پانزدهم تا هجدهم؛
۲. دوره نوسازی و تحول: قرن نوزدهم تا ابتدای قرن بیستم؛
۳. ابعاد مختلف روابط ترک‌ها-یهودیان در قرن بیستم.

آنچه در پی می‌خوانید، چکیده مقالات مندرج در بخش‌های سه‌گانه فوق است، از مقالات هم در ذیل همان متن آورده می‌شود تا امر داوری در خصوص قوت یا ضعف مقالات به سهولت بیشتری انجام پذیرد.

نخستین مقاله بخش یک، تحت عنوان «بنیادهای همکاری بین یهودیان و امپراتوری عثمانی» به ریشه‌یابی همکاری بین این دو می‌پردازد. نویسنده، این مطالعه تاریخی را از قرن پانزدهم به بعد آغاز کرده، ادعا می‌کند که ریشه همفکری و همگامی بین ترک‌ها و عثمانی‌ها و یهودیان به زمانی برمی‌گردد که یهودیان به عنوان قومی زیاده‌خواه، مطرود

اروپایی‌ها بودند. هنگامی که اروپایی‌ها بر سر تسلط بر مدیترانه و اروپای جنوب شرقی با عثمانی‌ها درگیر شدند، خودبه‌خود ابعاد همکاری بین عثمانی و یهودیان آشکار شد و این دو به صورت ناگفته به کمک هم شناختند، زیرا دشمن مشترک داشتند. نویسنده مقاله بدون اشاره دقیق به ابعاد همکاری بین ترک‌ها و یهودیان، صرف وجود دشمن مشترک را عامل همکاری بر می‌شمارد و به درگیری‌های متعدد بین یهودیان و مسلمانان و نیز سوء ظن متقابل آنها به یکدیگر اشاره‌ای نمی‌کند.

«دانیل گافمن»، استاد تاریخ دانشگاه بال (Ball) و سردبیر مجله «مطالعات خاورمیانه»، نویسنده مقاله‌ای در باب نقش یهودیان در اقتصاد امپراتوری عثمانی است که به عنوان دومین مقاله در نخستین بخش کتاب، درج شده است. بنا به استدلال گافمن، بخش مهمی از اقتصاد عثمانی همواره در دست یهودیان بوده است و آنان با استقرار در مراکز مهم تجاری، نقش برجسته‌ای در رویکردهای اقتصاد رسمی و غیررسمی ترک‌ها داشته‌اند. «ژاکوب برنابی»، توسعه‌فعالتهای سازمانی

یهودیان را در از میر مورد مطالعه مفصل قرار داده، از حس سازمان خواهی، یارگیری وانسجام طلبی یهودیان، اطلاعات ارزنده ای به دست می دهد. وی که استاد تاریخ در دانشگاه حیفا بوده و کتابهای متعددی در مورد تاریخ یهود و ناسیونالیسم مسلمانان نگاشته است، ادعا می کند که از میر به واسطه موقعیت تجاری خود در قرن پانزدهم و شانزدهم محل فعالیت اقوام و ملیتهای مختلف بود که یهودیان، یکی از فعالترین آنها بودند. همین تعامل در اقتصاد موجب شده بود که یهودیان به عنوان جماعتی مقبول در کار و پیشه مسلمانان، نقش تعیین کننده ای داشته باشند.

«اسراییل تعاشما» روابط بین ترک ها و اسراییلی ها را از منظر دیگری دنبال کرده است. وی در مقاله ای با عنوان «متون مقدس در عصر امپراتوری عثمانی و بیزانس» به همزیستی یهودیان بالکان با یهودیان فرانسه و آلمان در بالکان اشاره کرده، می افزاید: همین تعامل، نقش مهمی در گسترش تعالیم یهودیان در بین مسلمانان داشته است و مسلمانان بالکان ناخواسته در قرن چهاردهم و پانزدهم تحت تأثیر اخلاق و

اعتقادات یهودیان قرار گرفتند. نویسنده به نمونه های این تأثیر پذیری اشاره نمی کند و آن قسمت از تعالیم «اخام های یهودی یا ادبیات دین یهود که نزد مسلمانان عزیز داشته شد را به ذکر کلیات حواله می دهد. آنچه در این مقاله قابل توجه است، شرح فعالیت های یهودیان در گسترش تعالیم یهودی و متون تلمود در بین مسلمانان است که چنین تلاشی در عین قلت عده و عده یهودیان، محل تأمل است. «روحاد مورفی» یکی از پژوهشگران ارشد در مرکز تحقیقاتی بیزانس و محقق مسایل تاریخی امپراتوری عثمانی به «نقش و سهم یهودیان در مسایل پزشکی و داروسازی مسلمانان» پرداخته و به سهم برجسته پزشکان یهودی در مداوای مقامات عالیرتبه امپراتوری و نیز توده مردم اشاره می کند. به عقیده مورفی در سالیایی که مسایل پزشکی و علمی در محدوده امپراتوری عثمانی بسیار ضعیف و یا تعطیل بود، یهودیان مقیم عثمانی فعالیت های شایسته ای انجام دادند که به تعمیق نقش آنان در دید مردم کمک شایان توجهی نمود.

روابط یهودیان و ترک‌ها: قرن نوزده و اوایل قرن بیستم

بخش دوم کتاب، همان طور که اشاره شد، به تکوین و تداوم امواج نوسازی در محدوده امپراتوری عثمانی طی قرون نوزده و اوایل بیست می پردازد. در این بخش، هشت مقاله ارائه شده است که هر یک به بخش ویژه ای از مدرنیزاسیون و تحول در امپراتوری عثمانی توجه کرده است. نخستین مقاله این بخش، تحت عنوان «الگوهای تحول در ساختار جامعه: با تأکید بر مورد مصر» توسط «ژاکوب لاندائو» که یکی از اساتید علوم سیاسی در دانشگاه اورشلیم و نویسنده چندین کتاب در مورد ترکیه مدرن و حقوق اقلیتها در خاورمیانه است، به رشته تحریر درآمده است. به عقیده لاندائو، امپراتوری عثمانی، به ویژه مصر طی قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، پذیرای اصلاحات و تحولاتی شد که برخی از آنها مانند سکولاریزاسیون و نوسازی حقوق شهروندان در مجموع، موقعیت یهودیان را تضعیف نمود، چرا که بسیاری از مصریان حاضر به تخصیص حق ویژه به یهودیان نبودند. نویسنده مقاله با اشاره به ارتقای استانداردهای آموزشی و نیز غیر مذهبی شدن جامعه، اذعان می کند که

ساختار مذهبی و سنتی امپراتوری عثمانی، یزای مقاومت در قبال فشار از پایین جامعه و نیز اصلاح طلبان روشنفکر را نداشت. بنابراین، در پی این تحولات، اقتدار سنتی امپراتوری کاهش یافت و موج جدید اصلاحات و دگرگونیها رخ نمود. نویسنده به نقش این اصلاحات بر سازمان و زندگی یهودیان اشاره نمی کند و خاطر نشان می سازد که تأثیر اصلاحات بر جامعه ترکیه در مورد جامعه یهودیان هم صادق است، در حالی که خلاف این داوری را در همین مقاله، بیان می کند.

(ص ۷۹)

«تحول روابط بین یهودیان عرب خاورمیانه و دولت عثمانی در قرن نوزدهم» عنوان مقاله «دانیل جی. شروتر» است که به عنوان دومین مقاله این بخش به تبیین اصلاحات در ترکیه در خصوص زندگی یهودیان می پردازد. نویسنده مقاله که استاد تاریخ در دانشگاه کالیفرنیا بوده و متخصص تاریخ مراکش می باشد، به مطالعه موردی یهودیان سوریه، مراکش و لیبی پرداخته است. به عقیده وی، اصلاحات در ترکیه موجب تثبیت حقوق شهروندی شده، بدین ترتیب، مصونیت یهودیان در مقابل حملات

دینی را تضمین نموده، احساس امنیت و آزادی عمل یهودیان را ارتقا بخشید. (ص ۸۸)

هشتمین مقاله این کتاب بازم با رویکردی تاریخی به تحلیل روابط یهودیان با اعراب (سوریه و فلسطین) پرداخته به قلم «موشه مائوز» نگاشته شده است. مائوز استاد مطالعات اسلامی و خاورمیانه در دانشگاه اورشلیم بوده و آثار زیادی پیرامون تاریخ روابط اسرائیل - سوریه و نیز اقلیتهای خاورمیانه تولید کرده است که از جمله آن می توان به «تاریخ روابط اسرائیل - سوریه» (۱۹۸۵) و «اقلیتهای خاورمیانه: از کشمکش تا همگرایی» (۱۹۹۹) اشاره کرد. سخن اصلی مائوز در مقاله مذکور این است که طی قرن نوزدهم، یهودیان روابط بسیار خوب و سودمندی با مسلمانان داشتند که اصلاً با همسایگان مسیحی یهودیان قابل مقایسه نبود. به عقیده مائوز، روابط حسنه مسلمانان با یهودیان در قرن نوزدهم بدین دلیل بود که مسلمانان فکر می کردند که یهودیان یک گروه دینی، غیر سیاسی، مستقل و متفاوت از اروپایی ها هستند. این، در حالی بود که یهودیان، مسیحیان اروپا را دشمن دیرینه خود پنداشته، در زمینه های مختلف، از جمله عقاید دینی و

فرصت تجاری با آنان در رقابت بودند. البته این روابط در اواخر قرن نوزدهم متحول شد و آن هنگامی بود که مسلمانان با مسیحیان روابط حسنه برقرار کرده، بدین ترتیب، یهودیان را به اقلیتی منزوی تبدیل کردند. در همین روزها روشنفکران عرب سوریه، اعم از مسلمانان و مسیحیان، بر آگاهی عربی تأکید کردند، در حالی که یهودیان صف خود را از آنان جدا ساختند. مقاله مائوز با این عبارت مهم پایان می یابد که با تلاش صهیونیست ها در فلسطین (در سالهای پایانی قرن نوزدهم)، ائتلاف بین مسلمانان - مسیحیان تقویت شد. با اینکه یهودیان به دولت عثمانی وفادار بودند، تلاش صهیونیست ها در تسخیر و تصرف زمینهای فلسطینی ها، اعتبار ایشان را مخدوش نمود. مائوز بدون اشاره به عوامل و محافل صهیونیستی، بین یهودیان و صهیونیستهای قرن نوزدهم تمایز نهاده، از یهودیان به عنوان اقلیتی متعهد و وفادار به دستگاه خلافت عثمانی یاد می کند.

«آمنون کوهن»، نویسنده نهمین مقاله این مجموعه است که مطلب خود را زیر عنوان «ابعاد زندگی یهودیان اورشلیم در قرن نوزدهم» ارایه کرده است. کوهن، مقاله خود

را بر پایه گزارش دادگاه اورشلیم تنظیم کرده، طی این مقاله اطلاعات مهم و مفیدی در زمینه شیوه اسکان و استقرار یهودیان در اورشلیم (بیت المقدس)، روابط مهاجران (اعم از سفاردی ها و اشکنازی ها)، هزینه های اسکان یهودیان و مسایل روزمره و مبتلا به مهاجران یهودی به دست می دهد. (ص ۱۲۵) «شیوه آموزش زنان یهودی در امپراتوری»، عنوان مقاله تحقیقی و مدونی است که توسط راشل سیمون نوشته شده و در مجموعه حاضر به عنوان دهمین مقاله درج شده است. سیمون که متخصص مسایل لیبی و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات ترکیه در دانشگاه پرینستون است، ضمن بررسی فرآیند مدرنیزاسیون در ترکیه، نحوه و نتایج آموزش زنان در امپراتوری عثمانی را مورد بررسی قرار داده است. وی اذعان کرده که نخستین حرکتهای در زمینه آموزش زنان، توسط میسیونرهای مسیحی و سازمانهای غربی صورت گرفته، چرا که همه آنها می کوشیدند دختران جوان یهودی را به مجموعه خود جذب نمایند. به عقیده سیمون، ساخت سنتی جامعه یهودیان، مانع از آموزش زنان شده بود و همه مناصب در اختیار مردان بود، از قرن نوزدهم به بعد، آموزش دختران

شتاب گرفت و مدارس آموزش دختران به صورت چشم گیری افزایش یافت؛ در نتیجه این تحولات، موقعیت زنان بهبود یافت و آنان توانستند در زمینه سازماندهی مسایل محلی، نقش برجسته ای ایفا کنند و پاره ای امور و اختیارات را از انحصار مردان خارج کنند. بحث سیمون پیرامون شرایط آموزش زنان یهودی در امپراتوری عثمانی، از سوی آویگدور لوی گردآورنده و تدوین کننده همین کتاب، به صورت موردی، مورد بررسی قرار گرفته است. لوی در مقاله خود شرایط آموزش مدیریت زنان را در محدوده شهر آدرین (Edrine) بررسی و تحلیل کرده، گوشزد می نماید که طی جنگ بالکان در سالهای پیش از جنگ جهانی اول، یعنی در سال ۱۳-۱۹۱۲، شهر آدرین محاصره شد و طی آن، صرب ها و ترک ها وارد جنگ شدند. در اثنای این جنگ، یهودیان در شهر آدرین تحت محاصره قرار گرفتند، اما نکته قابل توجه این است که آنان به همراه سایر اقلیتها از موجودیت این شهر به دفاع پرداخته و زنان برای نخستین بار، مهمتر از مردان به مدیریت مسایل شهری و سامان دهی مسایل اجتماعی پرداختند.

مقاله بعدی کتاب، وضعیت «طبقه کارگر صنعتی در شهر سالونیکا» را طی سالهای ۱۹۱۲-۱۸۵۰ مورد پژوهش قرار داده است. نویسنده این مقاله، «دونالد کواتارت»، استاد تاریخ دانشگاه نیویورک و محقق مسایل قومیت‌های امپراتوری عثمانی است. به نظر نویسنده مقاله، شهر سالونیکا با هیچ یک از شهرهای دیگر امپراتوری عثمانی قابل مقایسه نبود و در واقع، قطب تجاری و اقتصادی امپراتوری به شمار می‌رفت. نکته قابل توجه این است که یهودیان به عنوان بزرگترین اقلیت (ص ۱۹۵) این شهر، نقش برجسته‌ای در نوسازی و رشد اقتصاد شهر ایفا کردند. (مقدمه، ص ۱۶) یهودیان در این شهر ماشین تولید و کارخانه‌های متعددی را راه اندازی کردند و ضمن بسیج طبقه کارگر صنعتی در این شهر، جنبش‌های کارگری را که متشکل از قومیت‌های مختلف بودند، بازسازی کردند. یهودیان موفق شدند جنبش کارگری را به گونه‌ای هدایت کنند که مطالبات قومی را برجسته نکرده، همواره به امپراتوری عثمانی وفادار بمانند.

«ارتباط ویژه بین کمیته اتحاد و ترقی نخبگان سیاسی یهود (مقیم امپراتوری

عثمانی)» عنوان سیزدهمین و آخرین مقاله بخش دوم است که به قلم یکی از استادان دانشگاه ماساچوست به نام «فیروز احمد» به نگارش درآمده است. احمد، مناسبات ترکان جوان را که از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۸ بر صحنه سیاسی عثمانی حاکم بودند و نیز نخبگان یهودی امپراتوری عثمانی را مورد بررسی قرار داده، خاطر نشان می‌سازد که وقتی قیام ترکان جوان به ثمر نشست، رهبران انقلاب، روابط ویژه‌ای را با اقلیت‌های غیرمسلمان برقرار کردند. از بین اقلیت‌های غیرمسلمان، بخت با یهودیان یار شد. یهودیان که ترکان جوان را در جریان سالهای پیش از ۱۹۰۸ یاری کرده بودند، در مقایسه با یونانی‌ها و ارمنی‌ها وضعیت و فرصت خاصی پیدا کردند، چرا که هم یهودیان و هم بنیانگذاران انجمن اتحاد ترقی، خواهان تأسیس یک امپراتوری قدرتمند عثمانی بودند که بتواند در مقابل قدرتهای بزرگ دیگر قدم علم کند. به گفته احمد، یهودیان تنها اقلیت غیر ترک و غیر مسلمانی بودند که رهبران و بانیان انجمن اتحاد و ترقی را حمایت کردند. صهیونیست‌ها تلاش زیادی کردند تا با القای علیق ملی، یهودیان را تفکیک نمایند، اما تلاش آنها بر

خلاف یونانی‌ها و ارمنی‌ها به بار نشست و یهودیان هیچ‌گاه صهیونیست‌ها را به عنوان نماینده و ارشد خود انتخاب نکردند و همواره اعضای انجمن اتحاد و ترقی مورد انتخاب یهودیان واقع می‌شدند؛ این همکاری و روابط ویژه تا جنگ جهانی اول ادامه یافت، طی همین جنگ هم بسیاری از یهودیان به عنوان نماینده امپراتوری به مناطق مختلف اعزام شدند و همواره مورد احترام بودند.

روابط ترک‌ها و یهودیان در قرن بیستم

مقالات بخش سوم کتاب، روابط یهودیان-ترک‌ها را در قرن بیستم مورد مطالعه قرار می‌دهد. قرن بیستم، زمانی است که ترکیه دیگر به شیوه گذشته اداره نمی‌شود و نوسازی لایه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و قضایی، آن را متفاوت از امپراتوری عثمانی جلوه می‌دهد. با این تحول، پرسش قابل طرح این است که آیا نقش سابق یهودیان در امپراتوری عثمانی در قرن بیستم (ترکیه مدرن) هم تداوم دارد یا نه؟ چهار مقاله مندرج در بخش سوم بدین پرسش پاسخ گفته‌اند. دو مقاله نخست، نگرش ترکیه به یهودیان اروپا طی دهه سی و

چهل میلادی را بررسی کرده و در مقاله بعدی مسایل مربوط به هویت یهودیان ترکیه در قرن بیستم را به بررسی نهاده است که شرح آنها را به ترتیب زیر می‌خوانید؛

«یهودیان آلمانی تبار مقیم ترکیه» عنوان نخستین مقاله این بخش است که به شرح دلایل مهاجرت یهودیان از آلمان به ترکیه پرداخته، شیوه زندگی آنها در ترکیه را توضیح داده است. «فرانک تاشائو»، در این مقاله، طی یک بررسی تاریخی، خاطرنشان می‌سازد که با به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان و رویکرد یهودی ستیزانه وی، یهودیان آلمان رحل اقامت بسته و روانه کشورهای دیگر شدند. سالهای به قدرت رسیدن هیتلر مصادف با ریاست جمهوری کمال آتاتورک در ترکیه بود. وی در راستای برنامه‌های نوسازی خود به دانشمندان و متخصصان زیادی نیازمند بود که بتوانند دانشگاهها و مؤسسات علمی ترکیه مدرن را راه اندازی کنند. همین تلاقی، موجب مهاجرت صدها متخصص یهودی به ترکیه گردید. در نتیجه این تلاقی، هم ترکیه از توان علمی یهودیان آلمان استفاده برد و هم یهودیان از مرگ حتمی به دست نازی‌ها نجات یافتند.

«مبانی روابط ویژه بین ترکیه کنونی و یهودیان» در دومین مقاله این بخش از کتاب به طور منسجمتری توسط «استانفورد جی. شاو»، توضیح داده شده است. شاو، نقش ترکیه را در نجات یهودیان از حرکت یهودی‌کشی (Holocaust) تبیین نموده است. به عقیده وی، ترکیه با اتخاذ موضع بی‌طرفی در جنگ جهانی دوم نقش مهمی در نجات شهروندان و اتباع یهودی خود که مقیم اروپا بودند، ایفا کرد؛ بدین ترتیب، که دو کشور آلمان و حتی فرانسه به شدت در صدد تحدید و آزار برآمدند، اما ترکیه به خاطر حفظ جان ده هزار نفر از شهروندان یهودی خود با آلمان و فرانسه وارد گفت‌وگو شد. علاوه بر این، ترکیه با دو کشور فوق به توافق رسید که برای شهروندان همدیگر حقوق متقابل قایل شوند و فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها در ترکیه از همان حقوقی بهره‌مند شوند که ترک‌های یهودی در این دو کشور. بی‌تردید این توافقیها نقش مهمی در صیانت یهودیان از تعرض نازی‌ها و سایر نژادپرستان اروپایی ایفا نمود. خانم «ماری کریستین مارول»، مقاله خود را در مورد ابعاد زبانی یهودیان مقیم استانبول ارایه کرده است. مارول، استاد زبان عبری و اسپانیایی در

«موسسه تمدن‌ها و زبانهای شرقی» پاریس است و براساس تخصص و تجربه خود زبان سنتی و جدید یهودیان استانبول را مورد مطالعه قرار داده است. مارول با تأکید بر توانایی زنان یهودی در زمینه طب سنتی و نقش آنان در جامعه یهودیان اسرائیل، ادعا می‌کند که در اواخر قرن بیستم، زبان سنتی، یعنی عبری-اسپانیایی از یک سو و زبان مدرن، یعنی فرانسه و ترکی در مقابل هم قرار گرفته‌اند. وی در پایان، این پرسش را مطرح ساخته است که با رونق شیوه زندگی مدرن و با اضمحلال زبان سنتی یهودیان آیا می‌توان به تخصص برخی زنان یهود در زمینه طب سنتی امیدوار بود؟ نویسنده بدین پرسش پاسخ نداده و در واقع، با کنار زدن غبارهای مدرنیته، در صدد احیای اصیلت و قدمت زندگی یهودیان، به ویژه زنان یهودی در استانبول است. (ص ص ۲۷۰-۲۶۹)

واپسین مقاله، کتاب اینکه به تعبیر تدوین‌کننده آن، حکم نتیجه‌گیری کتاب را هم دارد و به قرابت و هماهنگی یهودیان و ترک‌ها دلالت می‌کند. این مقاله، تحت عنوان «بازخوانی آثار ماریو لوی» توسط «ندیم گورسل»، نگاشته شده و به شرح آثار یک

نویسنده جوان یهودی که در استانبول اقامت دارد، می‌پردازد. به نظر گورسل لوی، نخستین نویسنده ترک زبان ترکیه است که به هویت یهودی خود می‌بالد. (ص ۲۷۲)

گورسل این سبک نویسندگی را مورد تمجید قرار داده، آن را مایه‌آشنایی یهودیان با فرهنگ ترکیه و جذب شدن در این فرهنگ، در عین حفظ هویت دینی یهودیان، قلمداد می‌کند. از نگاه وی، لوی موفق شده است در عین انتخاب زبان ترکی به عنوان زبان نوشتاری، در مورد «اقلیتهای تبعید شده» و روانشناسی تبعید، مطلب بنویسد که چنین سنتی می‌تواند دو کشور اسرائیل - ترکیه و یا یهودی - ترک را بیش از پیش به هم نزدیک نماید، چنین مواردی می‌تواند پشتوانه نظری - فرهنگی رابطه ویژه بین اسرائیل و ترکیه قلمداد شود.

با مقاله گورسل کتاب به پایان می‌رسد. در پایان لازم است بر چند نکته به عنوان مقولات قابل تأمل تأکید مضاعف شود؛ هر چند که نقد برخی مقالات را در اثنای همین مقاله یادآور شدیم. نکته نخست قابل تأمل، به تبارشناسی فرهنگی قرابت سیاسی بین دو ملت مربوط می‌شود که در مناسبات امروزی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. طرفین به راحتی از

میراث تاریخی به عنوان ابزار سیاسی بهره می‌برند. نکته قابل توجه دیگر به شرح مناطق و اماکن سکونت و نیز شمار یهودیان مربوط می‌شود؛ نقشه‌ای که در مورد توزیع جمعیت یهود در کشورهای خاورمیانه درج شده است. (ص ۲) همچنین استفاده نویسنده از لغات و اصطلاحات بومی (اعم از ترکی و یهودی) حاکی از جدیت تحقیق است. اما یک نکته مهم دیگر که به اعتبار تحلیلی و تحقیقی کتاب لطمه می‌زند، هماهنگ و همنوا نامیدن یهودی‌ها و ساکنان امپراتوری عثمانی است که گمان می‌رود نوعی بازسازی متن تاریخ و بازنویسی گذشته‌ای قابل بهره‌برداری است؛ گویی مسلمانان هیچ‌گاه با یهودیانی که فزون خواهی، توسعه‌طلبی، فرصت‌طلبی و کدورت دینی از ویژگیهای تاریخی آنان بوده، رویارو و حتی درگیر نشده‌اند و همه مسلمانان مقیم امپراتوری عثمانی که امروزه به هشت کشور مستقل تقسیم شده‌اند، یهودیان را چون نگینی در میان گرفته بودند. میراث مکتوب و ادبیات شفاهی ملل خاورمیانه، تلقیهای منفی قابل توجهی علیه یهودیان داراست که نویسندگان این کتاب، یکسره آنها را به فراموشی سپرده و قراین

روابط چین - آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر

David M. Lampton and Richard Daniel Ewing, *U.S. - China in a Post - September 11th World*, Washington D.C. : The Nixon Center, 2003, 100 pages.

۱۷۱

دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین
استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تربیت معلم تهران

آمریکا به روابط با چین به عنوان مهمترین روابط استراتژیک در قرن بیست و یکم می نگرد. رخداد ۱۱ سپتامبر تأثیرات عمیقی بر روابط دو کشور خواهد داشت، تأثیراتی که کاملاً قابل پیش بینی نخواهد بود. این کتاب ارزیابی شفاف‌تری را از افق روابط دو کشور ترسیم می کند، روابطی که دارای پیچیدگی و ابعاد مختص به خود است. آمریکا در صدد است در روابط خود با چین منافع خود را در محیط بین‌المللی که به طور فزاینده‌ای خطرناک می شود، گسترش دهد.

مثبت را بیش از اندازه شایسته خود، بها داده اند که تحلیل از نوشته های یک نویسنده یهودی جوان به نام ماریو لوی، شاهدی بر این مدعا است. یهودی بودن و به زبان کشور دوم، مطلب نوشتن، مایه قرابت دو ملت نمی شود؛ کما اینکه بسیاری از نویسندگان آلمانی زبان، یهودی بودند، اما این امر موجبات نزدیکی اسرائیل و آلمان را در پی نداشته است. با همه این موارد، ارزش تاریخی، تخصص نویسندگان و پذیرش زحمات مطالعات تاریخی توسط استادان این مجموعه را نمی توان انکار کرد. این مجموعه برای علاقه مندان به توزیع جمعیت یهودیان و نیز محققان روابط بین‌الملل که پیرامون همسویی ترکیه - اسرائیل تحقیق می کنند، اثری ارزنده است.